

سوءاستفاده رضا پهلوی از مراسم هفتم زنده‌یاد «خسرو علی کردی» در مشهد!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

«خسرو علی کردی»، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر در دفتر کارش به دلایل نامعلومی به قتل رسید. جسد او ۱۵ آذر ۱۴۰۴، در دفتر کارش در مشهد پیدا شد.

خسرو علی کردی، وکالت شماری از زندانیان سیاسی، معترضان و خانواده‌های دادخواه جنبش ۱۴۰۴ «زن، زندگی، آزادی» را بر عهده داشت و به همین دلیل به حبس، تبعید و محرومیت از وکالت محکوم شده بود.

پیکر او صبح روز شنبه، ۱۵ آذر ۱۴۰۴ در محل کارش در حالی که از صندلی که بر آن نشسته بود، به زمین افتاده و صورتش زخمی شده بود، پیدا شد. درست یک روز پیش از مراسم هفتم خسرو علی‌کردی، خبرگزاری «مهر»، وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، ویدیویی ۵۴ ثانیه‌ای از فیلم یکی از دوربین‌های مداربسته دفترش را که پشت سر او قرار دارد و خسرو علی‌کردی به سختی در گوشه‌ای از تصویر دیده می‌شود را منتشر کرده است. او در این ویدیو در حال چک کردن موبایلش است و لحظه‌ای بعد بدون کم‌ترین نشانی از درد و حال بد از روی صندلی به زمین می‌افتد و بدنش شروع به لرزیدن می‌کند. با وجود اعلام «سکته قلبی» به عنوان علت مرگ از سوی مقامات رسمی، بسیاری از وکلا، فعالان حقوق بشر و خانواده‌اش با اشاره به شواهدی چون خونریزی و ضبط ۱۶ دوربین مداربسته دفتر او توسط نیروهای امنیتی، مرگ او را «مشکوک» و «قتلی حکومتی» خواندند. مرگ او واکنش‌های گسترده‌ای را در میان مخالفان آزادی‌خواه جمهوری اسلامی برانگیخت و سازمان‌های حقوق بشری خواستار تحقیقات مستقل بین‌المللی شدند. مراسم شب هفت خسرو علی‌کردی در مسجد غدیر مشهد با حضور گسترده مردم و سردادن شعارهای اعتراضی برگزار شد که به مداخله نیروهای امنیتی و بازداشت شماری از شرکت‌کنندگان انجامید.

به جز مراسم هفتم، در مراسمی که روز قبل در سبزوار و در روستای «عبدل آباد» بر سر مزار خسرو علی‌کردی برگزار شده بود نیز حاضران شعارهایی علیه «علی خامنه‌ای»، رهبر جمهوری اسلامی و در پاسداشت یاد خسرو علی‌کردی سر دادند.

در میان بازداشت‌شدگان، «نرگس محمدی»، برنده جایزه نوبل صلح، «پوران ناطقی»، «سپیده قلیان»، «عالیه مطلب‌زاده»، «هستی امیری»، همگی فعال مدنی و زندانی سیاسی سابق و «علی آدینه‌زاده»، پدر دادخواه «ابوالفضل آدینه‌زاده»، نوجوان کشته شده در اعتراضات «زن زندگی آزادی» در مشهد هم حضور دارند. «مرضیه آدینه‌زاده»، خواهر ابوالفضل نیز نوشته از عمویش «رضا آدینه‌زاده»، هیچ خبری در دست نیست.

دادستان مشهد بعدا اعلام کرد در مجموع ۳۹ نفر در ارتباط با این مراسم بازداشت شده‌اند.

شرکت‌کنندگان با سردادن شعارهای اعتراضی علیه حکومت بودند که به گفته شاهدین، گروهی واردتظاهرات شدند و با سر دادن شعارهای به طرفداری از سلطنت، حمله نیروهای امنیتی حکومتی از جمله ماموران لباس شخصی، به شرکت‌کنندگان مراسم را توجیه‌پذیر کردند. حتی برخی حاضرین گفته‌اند همان گروه جزو نیروهای لباس شخصی بودند و در سرکوب مردم نیز شرکت داشتند.

در واکنش به بازداشت‌ها جواد علی‌کردی، برادر خسرو علی‌کردی، خواستار آزادی فوری فعالان و چهره‌های مدنی شد که در آن مراسم بازداشت شده بودند. او در یک ویدیو به نهادهای حکومتی هشدار داد که اگر بازداشت‌شدگان آزاد نشوند، «نامه‌ای محرمانه» منتشر خواهد کرد. ساعاتی پس از این هشدار، در شامگاه جمعه ۲۱ آذر، ماموران اداره اطلاعات نیروهای امنیتی ایران جواد علی‌کردی را در بازداشت کردند و به مکان نامعلومی منتقل نمودند.



بنا بر گفته‌های اعضای مرکزی جبهه ملی ایران، وی از اعضای جبهه ملی خراسان بود و هیچ‌گاه میان حرفه، وجدان و تعهد اجتماعی‌اش فاصله نینداخت. او سال‌ها از زندانیان سیاسی دفاع کرد، بی‌هیچ سازش و معامله‌ای، و هزینه این انتخاب را آگاهانه پرداخت. طبیعی بود که یاد او، حتی پس از مرگ، به نمادی از قانون‌خواهی، اعتراض مدنی و استقلال سیاسی تبدیل شود.

طبق اعلامیه جبهه ملی خراسان، گروهی منسجم و سازمان‌یافته وارد صحنه شدند. این گروه در آغاز مستقیماً به کسی حمله نکردند، اما با سر دادن سه شعار مشخص «جاوید شاه»، «رضا رضا پهلوی» و «مرگ بر سه فاسد» تلاش کردند فضای مراسم را از مسیر خود خارج کنند. این شعارها نه نسبتی با شخصیت و منش خسرو علی‌کردی داشت و نه با حال‌وهوای مراسم هم‌خوان بود. تکرار هماهنگ و هدفمند آن‌ها، فضا را به سمت یک دوقطبی ساختگی سوق داد و حق طبیعی خانواده و شرکت‌کنندگان برای برگزاری یک مراسم آرام را مخدوش کرد.

ماجرای این به همین‌جا محدود نماند. این گروه مشکوک در ادامه، نه تنها شعارهایی علیه خانم نرگس محمدی سر دادند، بلکه با پرتاب سنگ به سمت ایشان و دیگر سخنرانان، عملاً وارد فاز خشونت شدند. سنگ‌پرانی در یک مراسم یادبود، آن هم به سوی سخنرانان، عبور آشکار از مرز اعتراض مدنی و ورود به عرصه ارباب و حذف فیزیکی است. این رفتار نشان داد که هدف، بیان نظر یا اعتراض سیاسی نبوده، بلکه برهم زدن مراسم و ساکت کردن صداهای مستقل دنبال می‌شده است.

در پایان مراسم و پس از حمله نیروهای امنیتی به تجمع‌کنندگان و سخنرانان، رفتار این گروه معنای روشن‌تری پیدا کرد. آن‌ها بدون هیچ درگیری با نیروهای انتظامی، به راحتی محل را ترک کردند و بنا بر همان اعلامیه، بخشی از این افراد در جریان سرکوب با نیروهای امنیتی همکاری کردند. این توالی رفتار، از حضور بی‌هزینه تا خروج امن و سپس همکاری در سرکوب، نمی‌تواند تصادفی باشد و پرسش‌های جدی درباره نقش واقعی این گروه ایجاد می‌کند. در این میان، حق تجمع مسالمت‌آمیز و حق سوگواری خانواده علی‌کردی عملاً قربانی شد.

با این حال، این بخش مهم از واقعیت تقریباً در بازتاب رسانه‌ای نادیده گرفته شد. سه رسانه پرمخاطب فارسی‌زبان خارج از کشور، ایران اینترنشنال، من‌وتو و بی‌بی‌سی فارسی، به‌طور مکرر و گزینشی تنها بخش ابتدایی تجمع و همان شعارهای خاص را برجسته کردند. هم‌زمان، رسانه‌ها و شبکه‌های هوادار سلطنت پهلوی نیز همین تصاویر محدود را بازنشر دادند، به‌گونه‌ای که گویی کل مراسم هفتم خسرو علی‌کردی به همین چند شعار خلاصه می‌شود.

در کنار این رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی نیز نقش قابل توجهی داشتند. کانال‌های یوتیوب، صفحه‌های اینستاگرام، حساب‌های ایکس، تریلز و فیس‌بوک وابسته یا نزدیک به جریان سلطنت‌طلب، با بازتولید یک روایت یک‌سویه، عملاً از رفتاری غیر دموکراتیک و حذفی دفاع کردند. خشونت، سنگ‌پرانی، همکاری با نیروهای سرکوبگر و نقض حقوق شرکت‌کنندگان یا نادیده گرفته شدن یا عامدانه حذف گردید تا تصویری دلخواه از «حمایت مردمی» ساخته شود.

در چنین فضایی، «رضا پهلوی» پیام می‌دهد. او در پیام کوتاه خود، پیش از هر چیز از «مردم» بابت حمایت از خودش سخن گفت و این حمایت را برجسته کرد. تنها در ادامه به بازداشت‌شدگان اشاره کرد و خواهان آزادی آن‌ها شد. این پیام و برجسته کردن حمایت از «خود»، آن‌هم در شرایطی که مردم مورد حمله قرار گرفته و حقوق‌شان نقض شده بود، تعدادی هم دستگیر شده، بسیار معنادار است و نشان می‌دهد اولویت اصلی، نه دفاع از مردم، بلکه تثبیت یک «خودمحوربینی» سیاسی است.

معنادارتر از همه، سکوت او درباره خانم نرگس محمدی، برنده جایزه نوبل صلح، و دیگر مبارزان سیاسی و اجتماعی بازداشت‌شده است. فاطر از همه، فحاشی برخی طرفداران او به نرگس محمدی است.

مسئله مهمی که نباید به آن بی‌توجه شد این است که دفاع از برهم زدن مراسم سوگواری، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، دقیقاً آب ریختن به آسیاب جمهوری اسلامی است. سال‌هاست که عوامل جمهوری اسلامی و سلطنت‌طلبان در خارج کشور نیز سعس دارند تجمعات نیروهای سرنگونی‌طلب آزادی‌خواه و برابری‌طلب را برهم بزنند.



روزنامه جمهوری اسلامی، در شماره ۵ تیر ۱۳۹۷ خود، طی یک اعتراف بی‌سابقه به یک فقره تلاش برای منحرف کردن تظاهرات مردم با شعارهای انحرافی اعتراف و فاش کرد شماری از افراد که در جریان تظاهرات‌های اخیر تهران شعار «رضا شاه روح شاد» می‌دادند، عوامل حکومتی بودند که با اسکورت پلیس و آزادانه این کار را می‌کردند.

روزنامه حکومتی «جمهوری اسلامی»، این موضوع را در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌سازی برای سقوط دولت!» آورده و ضمن اشاره به این طرح و برنامه، نوشته است:

«این جماعت آن قدر بی‌پروا شده‌اند که عده‌یی را با شعارهای بی‌سابقه رضا شاه روح شاد و مرگ بر مفت‌خور، روانه مجلس می‌کنند و آن‌ها نیز با مشایعت پلیس آزادانه مانور می‌دهند. این جماعت دقیقاً همان دسته و گروهی هستند که در نماز جمعه تهران و راهپیمایی‌ها حضور دارند».

پیش از این نیز در نوارهایی که از جلسات توجیهی پاسداران و لباس شخصی‌ها افشا شده بود مشخص بود که یکی از روش‌های پاسداران و دستگاه‌های اطلاعاتی حکومت، تلاش برای منحرف کردن تظاهرات و اعتراض‌های مردم با شعارهای انحرافی است، اما حالا روزنامه جمهوری با زبان خودش یک نمونه را لو داده است.

خبرگزاری حکومتی فارس، گزارش داد که جواد علی‌کردی به دلیل «همراهی با جریان‌ات معاند و برهم‌زدن نظم عمومی» بازداشت شده است. فارس افزود: «وی با وجود انتشار فیلم مدار بسته از محل کار و نمایش لحظه فوت برادرش، به شایعه‌سازی درباره نحوه مرگ او ادامه داده است.»



یاسمین پهلوی

ناسیونالیسم افراطی، نژادپرستی، تمامیت‌خواهی، حذف غیرخودی‌ها، شخصیت‌پرستی و دیکتاتوری کلیدواژه‌هایی فاشیستی است که از صفات بارز سلطنت‌طلبان به شمار می‌رود. رفتار آن‌ها در نشست‌ها، تظاهرات‌های کوچک برون‌کشوری و فضای مجازی نشان داده که اقلیتی پر سر و صدا هستند که با هر ایده و گروهی که مخالف آن‌ها باشد با شدیدترین نحو برخورد می‌کنند. آن‌ها هیچ تسامح و همزیستی با سایر گروه‌ها ندارند و در کم‌ترین حالت به هر کس که متفاوت با آن‌ها بیندیشد، دشنام و ناسزا می‌دهند. تا آن‌جا که یاسمین اعتماد امینی (همسر رضا پهلوی) در صفحه اینستاگرامی خود شعار: «مرگ بر سه فاسد: ملا، چپی، مجاهد» را منتشر می‌کند. این در حالی است که طرفداران سلطنت، رضا پهلوی را به مثابه چتری فراچنانی معرفی می‌کنند که همه اعضای یک ملت را می‌تواند زیر پوشش خود بگیرد! اما مشاهده می‌شود که نه تنها طرفداران او، بلکه اعضای خانواده‌اش تا چه اندازه رویه رادیکالی را در پیش گرفته‌اند. آن‌ها وقتی که قدرتی در اختیار ندارند این گونه با مخالفین خود رفتار می‌کنند، اگر بر فرض محال قدرتی در اختیار بگیرند چه جنایت‌ها و کشتارهایی قرار است به راه بیندازند؟ در تظاهرات‌های کوچک آن‌ها، چیزی جز فحاشی و تنش و درگیری میان این گروه دیده نمی‌شود به طوری که حتی به منتقدین خودی‌هایشان نیز رحم نمی‌کنند. در نمونه‌ای بارز، شاعر ۶۴ ساله ساکن لندن، یعنی محمدرضا عالی‌ملقب به «هالو» را در تظاهرات خردادماه ۱۴۰۲ مورد تعرض جنسی قرار می‌دهند. این جماعت بنا به ادعای خود قرار است بر یک ملت و سرزمینی با فرهنگ غنی حکومت کنند؟ از جمله، او باشی که به سنگ مزارها نیز رحم نکرده و به آن هتک حرمت می‌کنند، نمی‌توان انتظاری از درک فرهنگ ایرانی داشت. (ویدئوی ادرار یک سلطنت‌طلب بر سنگ قبر غلامحسین ساعدی نویسنده ایرانی در شهر پاریس)

انتقادی که حتی طرفدارانش متوجه رضا پهلوی می‌سازند این است که یک رهبر سیاسی باید در داخل کشور صاحب نفوذ و پایگاه اجتماعی باشد، در حالی که رضا پهلوی فاقد این خصیصه است. علاوه بر این، تمام پروژه‌ها و اقدامات او تاکنون با شکست مواجه بود. مانند طرح «شورای مشروطیت» که پیش‌تر در مورد آن سخن گفته شد و یا طرح «شورای ملی ایران»، «پروژه ققنوس ایران» و در آخرین مورد «نشست آینده جنبش دموکراسی ایران (جرج تاون)» پس از شورش‌های سال ۱۴۰۱.

همکاری سلطنت‌طلبان و دولت اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه

همکاری میان سلطنت‌طلبان و دولت اسرائیل، با هدف ایجاد «قیام» داخلی در زمان جنگ ۱۲ روزه، در تمامی ابعاد استراتژیک و تاکتیکی شکست خورد.^۱ این شکست، نه تنها به تقویت موقعیت رضا پهلوی منجر نشد، بلکه جایگاه محدود او را نیز به شدت خدشه‌دار ساخت بلکه وابستگی او به دولت اسرائیل را علنی‌تر کرد.

یورونیوز نوشت: تحقیق مشترک یک روزنامه و موسسه اسرائیلی افشا می‌کند بخش قابل توجهی از حمایت‌های شکل گرفته به نفع رضا پهلوی در شبکه‌های اجتماعی محصول کارزار تبلیغاتی است که دولت بنیامین نتانیاهو با کمک حساب‌های جعلی فارسی زبان مستقر در اسرائیل به راه انداخته. یافته‌های نشریه اسرائیلی «هآرتص» و مرکز تحقیقات «مارکر» نشان می‌دهد بخشی از حمایت‌های مطرح شده از رضا پهلوی در شبکه‌های اجتماعی ساختگی بوده و شبکه‌ای از حساب‌های جعلی فارسی‌زبان مستقر در اسرائیل با بودجه مورد حمایت دولت نتانیاهو، در حال انتشار محتواها به نفع رضا پهلوی و تبلیغ بازگشت سلطنت بوده‌اند.

به گفته سه منبع، افراد فارسی‌زبان برای اداره حساب‌های جعلی استخدام شدند. این حساب‌ها با کمک ابزارهای هوش مصنوعی پیام‌ها را تولید، سازمان‌دهی و منتشر می‌کردند.

پژوهش‌گران مستقل پیش‌تر بخشی از این شبکه را شناسایی کرده بودند.

ویدیویی با عنوان «سال آینده در تهران آزاد» که با هوش مصنوعی ساخته شده و در آن نتانیاهو، گملیثل و رضا پهلوی در خیابان‌های تهران قدم می‌زنند، یکی از نمونه‌های این فعالیت بود که بازدید میلیونی گرفت.

یوینیوز، ۲۰۲۵/۱۰/۱۲، نوشت: انتشار این گزارش فضای بحث‌برانگیزی ایجاد کرد: حامیان رضا پهلوی آن را «گزارشی سفارشی» و همسو با روایت تهران خواندند، در حالی که منتقدانش آن را بازتابی از «واقعیت پنهان» در پشت صحنه کارزارهای مجازی دانستند. با گور مگیو، یکی از نویسندگان این مقاله گفت‌وگو کردیم.

این گزارش که امضای روزنامه‌نگاران تحقیقی هآرتص، گور مگیو و عمر بن‌جاکوب را پای خود دارد؛ با مشارکت روزنامه «دمارکر» و همکاری موسسه Citizen Lab وابسته به دانشگاه تورنتو تهیه شده است.

در این گزارش، ادعا شده بود که بخشی از حمایت‌های آنلاین از رضا پهلوی، فرزند آخرین شاه ایران، در جریان جنگ میان ایران و اسرائیل، ساختگی بوده و از سوی شبکه‌ای از حساب‌های جعلی فارسی‌زبان مستقر در اسرائیل هدایت می‌شده است؛ شبکه‌ای که بنا بر یافته‌های هآرتص با بودجه نهادهایی وابسته به دولت بنیامین نتانیاهو فعالیت می‌کرده است.

برخی از کاربران و رسانه‌های حامی آقای پهلوی ضمن نقد ادعاهای روزنامه هآرتص، این گزارش را «سفارشی» خوانده و این روزنامه را به همکاری با تهران و ترویج روایت جمهوری اسلامی ایران از جنگ ۱۲ روزه و طرفداران رضا پهلوی متهم کردند. این کاربران و رسانه‌ها بعضاً انتشار این گزارش را بازتابی از ترس جمهوری اسلامی ایران و «مزدوران» آن از رشد حمایت از آقای پهلوی در میان ایرانیان خواندند.

آقای مگیو در گفت‌وگو با یورونیوز تأکید می‌کند که بخش مهمی از اطلاعات منتشرشده در گزارش او بر پایه منابع اطلاعاتی اسرائیلی بوده و بخشی از آن نیز تحت سانسور نظامی اسرائیل قرار گرفته است؛ امری که او آن را «نشانه‌ای از حساسیت موضوع» توصیف می‌کند. با این حال، او اذعان دارد که «می‌توان میزان واقعی حمایت از رضا پهلوی را به شکل قابل اتکا اندازه‌گیری کرد» و تصریح می‌کند که گزارشش «به هیچ وجه قصد ندارد تمام هواداران رضا پهلوی را جعلی نشان دهد».

در بخشی دیگر از گفت‌وگو، مگیو می‌گوید: «نکته اصلی برای من این نیست که حمایت از رضا پهلوی واقعی است یا جعلی، بلکه این است که چرا اسرائیل باید در کارزاری مشارکت کند که هدفش احیای سلطنت در ایران است.» او در عین حال تأکید دارد که جایگزین جمهوری اسلامی باید «از سوی مردم ایران و بر پایه اصول دموکراتیک» تعیین شود.

این درحالی‌ست که نام رضا پهلوی در بسیاری از محافل سیاسی، رسانه‌ای و تحلیلی، در داخل و خارج از ایران، به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی در صورت فروپاشی یا گذار از جمهوری اسلامی مطرح بوده است. این بحث‌ها به‌ویژه در دوران جنگ دوازده‌روزه و هفته‌های پس از آن پررنگ‌تر شد، هرچند با فروکش کردن نسبی تنش‌ها، مواضع اخیر مقامات آمریکایی و تغییر روند تحولات خاورمیانه، از شدت طرح این گمانه‌ها تا حدودی کاسته شده است.

مگیو در ادامه از اختلاف‌نظر در میان مقام‌های اطلاعاتی و سیاسی اسرائیل درباره حمایت از رضا پهلوی سخن می‌گوید و می‌افزاید اگر این اختلاف وجود نداشت، «شاید امکان انتشار چنین گزارشی هم فراهم نمی‌شد».

«مگیو» در این گفت‌وگو ضمن تأکید بر این که اطلاعات را از منابعی در جامعه اطلاعاتی اسرائیل به دست آورده است، از نقش یک تاجر اسرائیلی به نام «تال سیلبراشتاین» در مدیریت عملیات پرده برداشت. آقای «سیلبراشتاین» که به‌عنوان مشاور در کنار چند نخست‌وزیر اسرائیل از جمله ایهود اولمرت، ایهود باراک و بنیامین نتانیاهو حضور داشته در سال ۲۰۲۰ از سوی دیوان عالی رومانی در پرونده فساد ۱۴۵ میلیون دلاری به صورت غیابی به پنج سال زندان محکوم شده است.

این گفت‌وگو، صرف‌نظر از میزان پذیرش یا رد ادعاهای مطرح‌شده، نگاهی کم‌سابقه به نحوه شکل‌گیری و محدودیت‌های گزارش‌های تحقیقی در نظام رسانه‌ای اسرائیل و نقش سانسور نظامی در انتشار چنین موضوعاتی ارائه می‌دهد.

یورونیوز: شواهد شما برای این گزارش چه بود و چه اثباتی برای ادعاهای مطرح شده دارید؟

گور مگیدو: «به نظرم در مقاله تا حدودی بیان شده است. این حقیقت که اسرائیل چنین عملیاتی را انجام داده است، به نقل از پنج منبع است و ارتباط این عملیات با رضا پهلوی نیز بر مبنای اظهارات سه منبع آمده، پس کمی ضعیفتر است. اما می‌توانم بگویم که این مقاله به شدت توسط واحد سانسور نظامی اسرائیل سانسور شد که برای من به عنوان روزنامه‌نگار، نشانه محکمی است که روی نقطه حساسی دست گذاشته‌ام.

می‌دانید، بسیاری چیزهایی که من با آن‌ها سروکار دارم طبق قانون اسرائیل معمولاً از مسیر سانسور عبور می‌کنند. اما در مورد این مقاله خاص، رفت‌وبرگشت‌های زیادی با سانسورچی‌ها داشتیم. بنابراین درباره دقت داستان تردیدی ندارم.

اما، مردم حق دارند که نظر خودشان را داشته باشند و درباره ارتباط [کارزار دولت نتانیاها] با رضا پهلوی، جز ارجاع به منابع گفته شده، منبع دیگری ندارم. با این حال، از نظر خط زمانی هم می‌بینیم که این موضوع تقریباً همزمان با برهه‌ای است که رضا پهلوی به گیلان گامیل، وزیر علوم و فناوری و وزیر پیشین اطلاعات اسرائیل بسیار نزدیک می‌شود و بخشی از ماجرا هم به گیلان گامیل مربوط است.

همچنین می‌توانم جزئیاتی اضافه کنم مبنی بر این که «وزارت امور یهودیان خارج از کشور و مبارزه با یهودستیزی» بخشی از تامین مالی این عملیات را بر عهده داشت و این یکی از مطالبی است که سانسور نظامی اسرائیل دستور به عدم انتشار آن داد.

معمولاً وقتی به ما دستور می‌دهند چیزی را منتشر نکنیم، همان‌جاست که می‌فهمیم به نقطه‌ای رسیده‌ایم. چون آن‌ها اختیار جلوگیری از انتشار مطالب نادرست را ندارند و فقط انتشار مطالب درستی را که به زعم آن‌ها منافع ملی اسرائیل را به خطر می‌اندازند، می‌توانند متوقف کنند.»

یورونیوز: آیا می‌توانید بگویید وسعت این عملیات چه‌قدر بود و در آن از چه تکنیک‌هایی استفاده شد؟

گور مگیدو: «این عملیات توسط یک نوع ربات با پشتیبانی هوش مصنوعی انجام شد. چون این فناوری روز است و به نظرم ردیابی آن‌ها در شبکه اجتماعی ایکس بسیار راحت‌تر است. چون این شبکه اجتماعی بیش‌تر در معرض کاربرها و رفتارهای نامعتبر است، به این دلیل که ایلان ماسک افراد مسئول مقابله با کاربران نامعتبر را اخراج کرده و شما اکنون می‌توانید هزاران کاربر از این نوع را در شبکه اجتماعی ایکس مشاهده کنید.

پژوهش‌گران اسرائیلی که ما از آن‌ها در مقاله نقل کرده‌ایم، فهرستی شامل حدود ۸۰۰ کاربر مشکوک به جعلی بودن به ما دادند. البته این پژوهش‌گران نمی‌توانند قاطعانه جعلی بودن این کاربران را اثبات کنند، اما از فناوری‌هایی استفاده می‌کنند که کمک می‌کند جعلی‌ها را تشخیص دهند و از همین راه هم به این چندصد کاربر مشکوک رسیدند. و Citizen Lab هم که از نظر روش تحقیق بسیار محتاطانه‌تر و محافظه‌کارانه‌تر برخورد می‌کند، در گزارش خود به ۵۶ کاربر اشاره کرده بود.

به نظر من، نه لزوماً در کاربران، بلکه در پیام‌ها همپوشانی‌هایی وجود دارد. اما Citizen Lab نمی‌خواست اقرار کند که عملیات (مرتبط با ویدئوهای جعلی زندان اوین) با عملیات [حمایت از رضا پهلوی] یکسان است. با این حال منابعی به من گفتند که این «همان عملیات» است. یعنی نه دقیقاً همان عملیات، بلکه توسط یک فرد یعنی «تال سیلبراشتاین» مدیریت می‌شود. او در رومانی پرونده کیفری دارد و سانسور نظامی دستور داد که نام او را از مقاله حذف کنیم. او مدیر هر دو عملیات است.

«تال سیلبراشتاین» از طریق نهاد ثالثی که در جهت پنهان کردن نقش دولت اسرائیل در عملیات فعالیت می‌کند، به عنوان تامین‌کننده «موساد» و «وزارت امور یهودیان خارج از کشور و مبارزه با یهودستیزی» نقش ایفا می‌کند.

اگر از من پرسید، چنین عملیاتی در مجموع اثربخشی چندانی ندارند. فکر نمی‌کنیم در دنیای واقعی اثر محسوسی داشته باشند. این‌ها ارائه‌دهندگانی هستند که خدماتی را می‌فروشند که اندازه‌گیری تأثیر واقعی‌شان بسیار دشوار است.

حتی اگر خودتان آزمایش کنید، مثلاً به هشتگ #KingRezaPahlavi بروید و کاربران مختلف را ببینید و از خودتان پرسید که آیا این کاربر معتبر است یا ربات؟ احتمالاً با دقت خوبی می‌توانید حدس بزنید. می‌بینید دنبال‌کننده‌هایشان هم ربات هستند، هیچ چیز شخصی ندارند، تصویر پروفایل یا با هوش مصنوعی ساخته شده یا چیزی است که واقعی به‌نظر نمی‌رسد و می‌بینید بسیاری از این حساب‌ها از سال ۲۰۲۳ به بعد به‌وجود آمده‌اند.

با این حال، ارائه‌کنندگان زیادی در دنیا هستند و به‌نظر من کار ما این بود که برای نخستین‌بار نحوه کار چنین سازوکاری را از درون نشان دهیم. به هر حال پول زیادی برای چنین خدماتی پرداخت می‌شود، چون خیلی‌ها خیال می‌کنند می‌توانند تغییر واقعی ایجاد کنند. در صورتی که چنین نیست. انتشار محتوای این کاربران جعلی در اتاق‌های پژواک اساساً مملو از کاربران جعلی است و نمایش‌هایی که می‌گیرند، تقریباً همگی از سوی کاربران جعلی است و تقریباً هیچ کاربر واقعی این کاربران جعلی را دنبال نمی‌کند. در نتیجه اگرچه از لحاظ آماری و عددی تعداد تعامل بالا می‌رود، اما افراد واقعی این محتواها را نمی‌بینند. در گزارش Citizen Lab هم چنین چیزی را می‌بینید. بالاترین عدد بازدید یک ویدئو حدود ۶۰ هزار است. این در صورتی است که یک چهره عمومی چون دونالد ترامپ، ایلان ماسک و یا بنیامین نتانیاها با میلیون‌ها دنبال‌کننده، انتشار هر محتوایی معمولاً تعامل بالاتری دریافت می‌کند. بنابراین به نظرم کل این دنیای به‌اصطلاح «عملیات نفوذ آنلاین» بیش از اندازه بزرگ‌نمایی شده است. با این حال بالقوه می‌تواند در گذر زمان چیز دیگری شود چون نمی‌دانیم اوضاع چطور پیش می‌رود.

اما، نکته حائز اهمیت این نیست که حمایت از رضا پهلوی جعلی است یا واقعی. بلکه مساله مهم این است که اسرائیل از کارزاری حمایت می‌کند که به دنبال احیای سلطنت در ایران است و این جالب است چون نشان می‌دهد چیزی در سیاست و تصمیم‌گیری اسرائیل اشتباه است. چرا اسرائیل اصلاً باید بخواهد سلطنت را در ایران احیا کند؟ این اصلاً به سود منافع ملی اسرائیل نیست. به نظر من این کارزار تأثیر زیادی هم در دنیای واقعی نداشته و البته که اندازه‌گیری دقیق آن بسیار دشوار است.»

نکته حائز اهمیت این نیست که حمایت از رضا پهلوی جعلی است یا واقعی. بلکه مسئله مهم این است که اسرائیل از کارزاری حمایت می‌کند که به دنبال احیای سلطنت در ایران است.

یورونیوز: از کجا از ایفای نقش آقای «سیلبراشتاین» در این عملیات اطمینان دارید؟

گور مگیدو، روزنامه‌نگار اسرائیلی: «فکر می‌کنم این می‌تواند این نکته مهمی است که «تال سیلبراشتاین» مدیر این عملیات بود. من این را با قاطعیت به شما می‌گویم؛ چون اتفاقی برای ما افتاد.

اولا این که منابع من این را گفتند. دوم این که، شی که قرار بود مقاله را منتشر کنیم، از سانسور نظامی با ما تماس گرفتند و مشخصا خواستند نام او از مقاله حذف شود. موساد نیز همزمان بر این موضوع تاکید کرد.

پس می‌توانم با اطمینان بگویم که «تال سیلبراشتاین» که در رومانی به اتهام فساد تحت پیگرد قانونی بوده و چهره شناخته‌شده‌ایست مدیر این عملیات است.» یورونیوز: در مقاله‌تان گفتید که اسرائیل چند فارسی‌زبان را برای این عملیات جذب کرده است. این کار چه‌طور انجام شد؟ آن‌ها چه کسانی بودند؟ آیا از داخل ایران جذب شدند یا خارج؟

گور مگیدو: «من اطلاعی از هویت آن‌ها ندارم. اما کسانی هستند که در دوران خدمت نظامی در واحدهای اطلاعاتی مرتبط با ایران حضور دارند و فارسی یاد می‌گیرند. علاوه بر این، افرادی از ایران به اسرائیل مهاجرت کردند؛ بعضی از آن‌ها مس‌ترند و برخی جوان‌تر. چند نفر را می‌شناسم که اصالت ایرانی دارند. شاید بیست و چند ساله نباشند، اما قطعاً چندتایی از آن‌ها چهل و چند ساله‌اند. برخی هم از خانواده‌هایی می‌آیند که پدر و مادرشان فارسی حرف می‌زنند. اگرچه پیدا کردن این افراد دشوار است، اما آن‌ها حضور دارند و به نظرم برای به راه انداختن این عملیات حضور ۵ تا ۷ نفر از آن‌ها کافی است، نه صدها نفر. چون بخش عمده‌ای از محتوا توسط هوش مصنوعی تولید می‌شود و زبان مساله بزرگی نیست، فقط نظارت می‌خواهد.

آن‌ها به صورت دستی محتوا را منتشر نمی‌کنند، در نتیجه فکر می‌کنم چند نفر هستند. از سوی دیگر، باید بدانید که در جامعه اطلاعاتی اسرائیل بیش از چند نفر فارسی بلدند.»

یورونیوز: مقاله شما با واکنش‌های زیادی روبرو شد و در پی آن برخی افراد و رسانه‌ها ادعا کردند که هواداران آقای پهلوی نامعتبرند یا ربات هستند. برخی هم در مقابل اساس گزارش شما را زیر سؤال می‌بردند.

گور مگیدو: «دیدم برخی منتقدان می‌گفتند که گزارش ما درباره هواداران رضا پهلوی بر پایه تنها ۵۰ حساب کاربری بنا شده که خوب درهم‌آمیزی واقعیت‌هاست. آن ۵۰ حساب کاربری مربوط به گزارش Citizen Lab است. این درحالی است که گزارش ما بر پایه منابع اطلاعاتی اسرائیلی است که در گزارش هم صراحتاً ذکر شده و آن‌ها به صدها حساب کاربری مشکوک اشاره کرده‌اند.

اما، وقتی چیزی را منتشر می‌کنید، دیگر کنترلی بر آن ندارید. این که در بحث‌های عمومی چه رخ می‌دهد، فراتر از توان من است. می‌دانم که در میان مهاجران ایرانی حساسیت زیادی در مورد این موضوع وجود دارد. اما من فقط چیزی را منتشر می‌کنم که بتوانم اثباتش کنم و من تلاش می‌کنم بهترین ابزار را در اختیار مخاطب قرار دهم تا بفهمد چه‌قدر شواهد داریم.

صادقانه بگویم، درباره رضا پهلوی سه منبع داریم. اما هر کسی می‌تواند ببیند که کاربران جعلی از او حمایت می‌کنند. به نظرم این موضوع قابل بحث نیست و به وضوح دیده می‌شود. لازم نیست که پژوهش‌گر شبکه باشید تا آن را درک کنید، قابل مشاهده است.»

یورونیوز: شما پس از انتشار این مقاله با چه واکنش‌هایی روبرو شدید؟

گور مگیدو: «واکنش‌هایی از افرادی که به نظر می‌رسید با اقدامات اپوزیسیون در میان ایرانیان خارج از کشور مرتبط باشند، دریافت کردم و فکر می‌کنم این دقیقاً جایی بود که مقاله تاثیر گذاشت، چون در اسرائیل بازتاب خاصی نداشت و در ایالات متحده و جاهای دیگر هم مردم آن‌چنان با رضا پهلوی و معنای این موضوع آشنا نیستند.

اما فکر می‌کنم ایرانیانی که می‌توانند در شبکه اجتماعی ایکس آزادانه نظرشان را بیان کنند، که طبعاً حضور فیزیکی در ایران ندارند، واکنش نشان دادند. من بخش‌هایی از واکنش‌ها را مرور کردم و دیدم که بخش زیادی از آن‌ها علیه ماست و ادعا می‌کنند که ما به ترویج گفتمان جمهوری اسلامی می‌پردازیم. اما، برخی از این واکنش‌ها با حساب‌های کاربری منتشر شده بود که در گزارش Citizen Lab به‌عنوان حساب‌های جعلی شناسایی شده‌اند. بنابراین مطمئنم که دولت اسرائیل هم بخشی از تلاش برای تضعیف یافته‌های ما بود.

با این حال تردیدی ندارم که بخشی از واکنش‌ها واقعی هستند و برخی واقعا از این امر رنجیده شدند که حمایت واقعی از رضا پهلوی به عنوان «اقدام جعلی» تلقی شود، مقاله ما هم چنین قصدی نداشت.

مقاله تصریح کرده که سطحی از حمایت از بازگشت سلطنت یا حمایت شخصی از رضا پهلوی است که [توسط کاربران جعلی مورد حمایت دولت اسرائیل انجام شده] و ما نمی‌توانیم میزان آن را اندازه بگیریم و ابزاری هم برای سنجش آن نداریم.

شاید برخی واقعا می‌پسندند، اما ما به دلایل روشن و بدیهی نمی‌توانیم میزان حمایت از او را به شکل قابل اتکا در میان افکار عمومی ایران بنسجیم. پس من نمی‌توانم حمایت از او را اندازه بگیرم، اما مطمئنم بخشی حمایت واقعی است. در عین حال، صد درصد مطمئنم بخشی از حمایتی که آنلاین می‌بینیم ساختگی است. معنای این حرف این نیست که او هیچ حمایتی ندارد یا همه طرفدارانش جعلی‌اند. قصدم این نیست. حرفم این است که اسرائیل علاقه‌مند به احیای این سلطنت است که به نظرم جالب است.

معنای این حرف این نیست که او هیچ حمایتی ندارد یا همه طرفدارانش جعلی‌اند. قصدم این نیست. حرفم این است که اسرائیل علاقه‌مند به احیای این سلطنت است که به نظرم جالب است.»

پورونیوز: چرا جالب است؟

گور مگیدو: «اول از همه به خاطر یک اشتباه تاریخی؛ برخی می‌گویند مخالفت با رژیم فعلی ایران از ابتدا با پشتیبانی از پدر رضا پهلوی شکل گرفت، کسی که دوست اسرائیل و آمریکا بود و شاید «لفاظ درست» به کار می‌برد و از منظر غربی شبیه به یک حاکم مدرن بود. اما در همان زمان (شروع این مخالفت‌ها) هم مردم ایران، یا دست‌کم بسیاری از مخالفان، اساساً با حکومت اسلامی مخالف بودند و فقط می‌خواستند از شر این استبداد خلاص شوند. به نظر من این (کارزار اخیر) همان اشتباهی است که اسرائیل پیش‌تر هم مرتکب شده است.

دوم این که من با دیکتاتورها در سراسر جهان مخالفم. آن‌ها رای من را ندارند. تا آن‌جا که من می‌دانم، سابقه ندارد که اسرائیل از احیای دیکتاتوری حمایت کرده باشد، حتی اگر آن دیکتاتوری با منافع ملی اسرائیل سازگار باشند.

به بیان دیگر، به نظر من جایگزین رژیم کنونی ایران باید دموکراتیک باشد، نه یک سلطنت دیگر.

اما می‌دانید این فقط نظر من نیست. اگر افرادی داخل جامعه اطلاعاتی اسرائیل از رابطه رضا پهلوی و دولت نتانیاهو شدیداً خشمگین نبودند، امکان نداشت من بتوانم این مقاله را بنویسم. در داخل دولت اسرائیل بر سر این که آیا حمایت از رضا پهلوی کاری عاقلانه است یا نه، اختلاف نظر وجود دارد.»

در داخل دولت اسرائیل بر سر این که آیا حمایت از رضا پهلوی کاری عاقلانه است یا نه، اختلاف نظر وجود دارد.

پورونیوز: می‌توانید در مورد این اختلاف نظر بیش‌تر توضیح دهید؟

گور مگیدو: چند جمله‌ای در این باره نوشته بودم که سانسور شد. بنابراین واقعاً نمی‌توانم درباره‌اش حرف بزنم، اما اگر این اختلاف نظر نبود، این مقاله هم نبود.

برخی فکر می‌کنند فشار برای تغییر رژیم در ایران کار عاقلانه‌ای است که من هم به هر حال موافقم. به‌نظرم اسرائیل باید هرکاری از دستش برمی‌آید برای کمک به اپوزیسیون در داخل ایران برای سرنگونی رژیم فعلی انجام دهد. اما جایگزین را باید مردم ایران تعیین کنند، نه دولت اسرائیل و فکر نمی‌کنم سلطنت گزینه مناسبی باشد.»



در این میان، حملات یاسمین پهلوی به نرگس محمدی، یکی از چندین مورد خصومت‌های وی نسبت به کسانی است که با او دیدگاه‌های مخالف سیاسی دارند. یاسمین پهلوی در اظهارنظرهای جنجالی در رسانه‌های اجتماعی و نیز بیان مواضع قویاً حمایت‌گرانه از اسرائیل، سابقه‌ای طولانی دارد. او هم‌چنین در جنگ اسرائیل علیه غزه، علناً از اسرائیل حمایت کرد. او در نوامبر گذشته در یک تجمع طرفداران اسرائیل در واشنگتن دی سی حضور یافت و پرچم اسرائیل را تکان می‌داد.

در حقیقت، از زمان آغاز جنگ غزه، جنبش سلطنت‌طلبان ایران از اسرائیل قویاً در فضای بحث حمایت کرده و در تظاهرات متعدد به طرفداری از اسرائیل در آمریکا و اروپا نیز حضور یافته است. تاکتیک‌های آن‌ها که اغلب خصمانه است، بسیاری از فعالان طرفدار فلسطین را نگران کرده است. گروه‌های لابی‌گر طرفدار پهلوی در واشنگتن دی سی، نظیر اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (UNFDI)، تلاش کرده‌اند فعالان حامی فلسطین را بترسانند، و به آن‌ها برچسب حمایت از گروه‌های تروریست فلسطینی زده‌اند.

موضع رضا پهلوی و همسرش یاسمین از طرفداری از اسرائیل پس از سفر وی و همسرش به اسرائیل در آوریل ۲۰۲۳ بیش‌تر به چشم آمد و نقل محافل شد. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و گیل گاملیل وزیر اطلاعاتش، از این زوج به گرمی استقبال و میزبانی کردند.

در مدت بازدید پهلوی و همسرش از اسرائیل، گاملیل در همه حال همراه آن‌ها بود و شاهزاده خودخوانده ایرانی در دیوار غربی (مقدس‌ترین مکان مذهبی یهودیان) دعا خواند و از حضور در مسجداً لاقصی خودداری کرد.

به دنبال اعتراضات مرتبط با مرگ مهسا(ژینا) امینی در مرکز گشت ارشاد جمهوری اسلامی ایران، همسر رضا پهلوی تلاش کرد شعار اعتراضات را در اختیار خود بگیرد. مهسا، به دلیل رعایت نکردن حجاب اسلامی، به دست پلیس تهران دستگیر شد و درگذشت.

یاسمین پهلوی تصویری از یک سرباز زن اسرائیلی را در بیت المقدس شرقی - که تحت اشغال اسرائیل قرار دارد- منتشر کرده بود که زیر آن این کلمات به چشم می خورد: «زن، زندگی، آزادی!» این اقدام خشم معترضین جمهوری اسلامی را برانگیخت، زیرا نمی خواستند آرمان شان با اقدام اسرائیل در اشغال فلسطین و رفتار با فلسطینی ها آمیخته شود.

پهلوی در این سفر، امیر اعتمادی مشاور رسمی خود، و سعید قاسمی نژاد از کارکنان بنیاد دفاع از دموکراسی -اندیشکده راست گرا و طرفدار اسرائیل مستقر در واشنگتن دی سی- را نیز همراه خود آورده بود.

این دو، چهره هایی جنجالی هستند که از جمله با دیدگاه های ضدفلسطینی شناخته می شوند و خواستار تحریم و حملات نظامی علیه ایران شده اند. آن ها حتی در توییت های خود، شعار «مرگ بر فلسطین» منتشر کرده اند. پهلوی در اسرائیل با مارک دوبویس مدیر بنیاد دفاع از دموکراسی هم دیدار کرد و از آن زمان تاکنون رسانه ها و گروه های طرفدار اسرائیل در آمریکا، به تقدیر از وی پرداخته اند.

البته سلطنت طلبان ایرانی نقاط اشتراک چندانی با آرمان های اکثریت مردم ایران ندارند؛ آن ها با تندروها و عناصر مداخله گر در اسرائیل و آمریکا هم آوا شده اند که به دنبال سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران توسط این دولت ها و احیای مجدد سلطنت در ایران هستند.

این امر سبب شده است سلطنت طلبان در میان مخالفان جمهوری اسلامی ایرانی، منزوی شوند. بسیاری از فعالان داخل ایران و خارج از آن که برای آرمان خود هزینه فراوان متحمل شده و حامی جنبش های مردمی هستند، سلطنت طلبان را نپذیرفته اند.

مثلا در ماه نوامبر، نه زندانی برجسته سیاسی در ایران از پشت میله های زندان نامه ای منتشر و اقدام اسرائیل را در «کشتار جمعی مردم غزه» محکوم کردند و خواستار همبستگی با فلسطینی ها شدند.

در میان این افراد، انیسه اسدالهی فعال حقوق زنان؛ گلرخ ایرایی نویسنده و مدافع حقوق بشر گلرخ ایرایی؛ رضا شعبانی فعال کارگری و آرش جوهری روزنامه نگار حضور داشتند.

آن ها از افرادی که تحت لوای «زن، زندگی، آزادی، فقط به دنبال کسب حمایت اسرائیل و غرب بودند» انتقاد کردند و گفتند این افراد «در این جنگ فقط به آن ها خدمت می کنند».

در این نامه آمده است، «این افراد پس از نابودی ساختار جامعه در حملات نظامی غرب، عمدتا به دنبال سهم خود هستند، گویی از سرنوشت عراق و افغانستان در دو دهه گذشته، چیزی نیاموخته اند. ...»

سایر فعالان ایرانی هم نظیر رضا خندان همسر نسرين ستوده، وکیل و مخالف برجسته، همین دیدگاه را بیان کرده اند. وی در مصاحبه با سی ان ان در ماه می گذشته هشدار داد که رضا پهلوی و طرفدارانش تهدیدی علیه جنبش اعتراضی در ایران هستند. خندان آن ها را «فرصت طلبانی» خواند که از مردم ایران جدا شده اند.»



خسرو علی کردی

نتیجه گیری

حقیقت مرگ خسرو علی کردی هنوز روشن نیست و هیچ امیدی به روشن شدن آن از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی هم نمی توان داشت. تجربه چهل و هفت ساله جمهوری اسلامی، بارها نشان داده است که یکی از سیاست های جنایت کارانه این حکومت، حذف فیزیکی و ترور مخالفین است. در حا حاضر نیز حکومت به دلیل بحران های داخلی و خارجی، تنها به تهدید و سرکوب، شکنجه و اعدام روی آورده است.

روزنامه قدس جمهوری اسلامی، صراحتاً نوشته است: «حالا وقت آن بود که فعالان ضدامنیتی و حتی برخی زندانیانی که در مرخصی به سر می‌بردند از سراسر کشور جمع شوند تا در کنار جمعیت حاضر در مراسم، ختم آن مرحوم را با شعارهای ساختارشکنانه و بی‌نظمی به حاشیه ببرند و شوکی ایجاد کنند برای جان گرفتن جنازه بی‌جان فتنه.»

این روزنامه می‌افزاید: «اما چنین حرکت‌های ایدئولوژیکی دشمن نباید ما را از مسائل اصلی‌مان غافل کند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب در تحلیل اغتشاشات سال‌های گذشته «مگس روی زخم می‌نشیند؛ زخم را خوب کنید و نگذارید به وجود بیاید. ما اگر مشکل داخلی نداشته باشیم، نه این شبکه‌ها می‌توانند اثر بگذارند و نه آمریکا می‌تواند هیچ غلطی بکند.»

جریان سلطنت‌طلب، به هیچ‌وجه یک نیروی اپوزیسیون محسوب نمی‌شود، ابزاری هم در دست جمهوری اسلامی و هم در دست اسرائیل و آمریکا است. به واسطه حمایت‌های آمریکا و اسرائیل، سوءاستفاده از نوستالژی تاریخی موهوم و بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، تلاش کرده خود را در کانون توجه قرار دهد.

سلطنت‌طلبان به‌طور عمده در ایران پایگاه مردمی ندارند و از سوی دیگر، نتوانسته‌اند اتحاد و انسجامی در میان گروه‌های سلطنت‌طلب به‌وجود آورند. امروزه ایده نظام پادشاهی به‌ویژه برای نسل‌های جوان غیرقابل پذیرش است؛ زیرا تجارب تاریخی و مبانی ایدئولوژیکی این ساختار نشان می‌دهد که انحصار قدرت و ثروت در دست یک شخص آن هم به‌صورت مادام‌العمر و موروثی نه آزادی را به دنبال دارد و نه برابری و عدالت اجتماعی را برای مردمان به ارمغان می‌آورد. به همین دلیل، اکنون هیچ مردمی در جهان حاضر نیستند که برای برقراری نظام پادشاهی اعتراض کنند و انقلاب‌هایی که تاکنون رخ داده سرانجامش استقرار نظام جمهوری بوده است و در مقابل نظام‌های پادشاهی را جنگ‌ها و کودتاهای نظامی مستقر می‌سازند.

طرفداران سلطنت عمدتاً رویکردی فاشیستی دارند؛ ملی‌گرایی افراطی، نژادپرستی، تمامیت‌خواهی، شخصیت‌پرستی و میل به دیکتاتوری از ویژگی‌های اصلی ایدئولوژی آن‌ها است و فحاشی، تعرض، ضرب و جرح و هتک حرمت جزو رفتارهای تکرارشونده سلطنت‌طلبان به شمار می‌رود. فراموش نکنیم که عشق رضا شاه اول به هیتلر و باور و مولفه مشترک «نژاد آریایی»، باعث سقوط و تبعید او شد!

روشن است که هر انسان و نیروی آزادی‌خواه و برابری‌طلب، حمله وحشیانه نیروهای حکومتی به مراسم «سوگواری» خسرو علی‌کردی در مشهد و سوءاستفاده رضا پهلوی و سلطنت‌طلبان از این مراسم را شدیداً محکوم می‌کند؛ بلکه هم‌زمان با تأکید بر آزادی تجمعات، حفظ کرامت انسانی و آزادی بیان در اشکال مختلف، خواهان آزادی همه دستگیرشدگان این مراسم و همه زندانیان سیاسی و اجتماعی در ایران می‌شود. یاد خسرو علی‌کردی و همه جان‌باختگان راه آزادی گرامی باد!

سه‌شنبه بیست و پنجم آذر ۱۴۰۴- شانزدهم دسامبر ۲۰۲۵